

سروران و استادان عزیز، تصحیح انتقادی متون به شیوه
 امروزین که به اصطلاح می‌توان گفت به شیوه
 خاورشناسان و متن‌شناسان غربی است با مرحوم علامه
 شادروان محمد قزوینی در ایران آغاز شده است ولی
 چنانچه جست و گریخته ما در متن‌ها و احادیث و روایات
 درباره جمع‌آوری و تدوین قرآن می‌بینیم مسئله تحقیق
 انتقادی از گذشته‌های دور مطرح بوده است یعنی
 تصحیح متن امری بی‌سابقه و نادری نیست. اما علیرغم
 سلیقه‌های متضاد و متفاوت، شیوه تصحیح انتقادی
 متون امروزه تقریباً مورد قبول همگان است در گذشته
 تصحیح متن به شیوه‌ای دیگر رواج داشت.

وقتی به روزگار عثمان تصمیم می‌گیرند که
 قرآنهای مختلف را بررسی کنند در واقع می‌خواهند به
 بار معنایی و ظرایف کلام خدا به نحوی که از
 رسول‌الله (ص) شنیده‌اند، نزدیک شوند و استنباط‌های
 شخصی یا فردی را که قهراً ناشی از سلیقه‌های مختلف

بازنگری به شیوه‌ها و روشهای عالمانه این استاد
 فقید هستند.

به منظور بزرگداشت یاد و نام استاد علامه
 محمد قزوینی و تعیین جایگاه او در حوزه تصحیح
 متون میزگردی با حضور آقایان محمد روشن،
 محمود عابدی، عباس ماهیار و محمود فتوحی
 تشکیل دادیم. آنچه می‌خوانید حاصل این بحث و
 گفت و گو است.

● از تشریف‌فرمایی شما در کتاب ماه ادبیات و
 فلسفه به مناسبت پنجاهمین سال درگذشت استاد
 علامه محمد قزوینی تشکر می‌کنیم قبل از آنکه راجع
 به شیوه و روش تصحیح استاد قزوینی گفتگو کنیم، استاد
 روشن به عنوان مقدمه بفرمایند که تصحیح به شکل
 علمی و انتقادی در ایران از چه زمانی آغاز شد و آغازگر
 این حرکت چه کسانی بودند؟

محمد روشن: به نام خدا با کسب اجازه از محضر

پنجاه سال از درگذشت علامه محمد قزوینی
 می‌گذرد. استاد قزوینی در حیات ارزشمند خود
 همواره در پی کسب علم و معرفت بود. نام بلند
 قزوینی این استاد بی‌بدیل عرصه تحقیق و
 تصحیح با آثار شکوه‌مندی گره خورده است که
 هر کدام خود سندی از افتخار ملی ماست.

اشراف او بر تاریخ، فرهنگ و ادبیات این
 سرزمین، سبب‌ساز تألیف و تحقیق و تصحیح آثار
 ارجمندی شد که امروز، پس از گذشت چندین
 دهه یگانه منبع و مأخذ در باب تحقیق است و
 محققان و مصححان ما، بیش از همیشه نیازمند

علامه قزوینی و تصحیح متون



گفتگو با
 استاد محمدروشن
 دکتر محمود عابدی
 دکتر عباس ماهیار
 و دکتر محمود فتوحی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

بوده از متن اصلی، بیپیرایند. در مورد شاعران و نویسندگان هم ما از مختارات و نوشته‌هایی خبر داریم که نشان می‌دهد پاره‌ای از شاعران، اشعار شاعر دیگر را انتخاب می‌کردند. فی‌المثل انوری از مسعود سعد منتخبی فراهم آورده بود. خود مسعود سعد از شاهنامه منتخبی فراهم آورده بود که اینها اگر امروز در اختیار ما بود امکان بحث و بررسی معقول‌تر و دلپذیرتر می‌شد.

با زندگی شخصی و ادبی مرحوم قزوینی خوشبختانه از همان دوران دانشجویی - که در خدمت استان دانشمندی مثل مرحوم پورداوود، مدرس رضوی، استاد فقید و براستی بی‌نظیر مرحوم فروزانفر، استادکم مانند مرحوم مجتبی مینوی بودم - آشنا شدم و از همان سالها آثار علامه را می‌خواندم. در سال ۱۳۳۶ بنده نسخه‌ای از جامع‌التواریخ، خریدم و بعد با مراجعه به خزانه کتاب همه حواشی علامه قزوینی را بر روی کتاب خودش نقل کردم و این را با امانت و دقت در یکی از سالها در نشریه «فرهنگ ایران زمین» استاد ایرج افشار چاپ کردم. اما مسئله تصحیح متون دو مرحله دارد: اول شناخت نسخه‌هاست وقتی مصححی می‌خواهد کار را آغاز کند باید نسخه‌شناس باشد و آگاهی داشته باشد.

● آقای روشن شما ضمن فرمایشاتان فرمودید که تصحیح متون دو مرحله دارد یکی شناخت نسخه‌ها است ضمن بیان مرحله دوم بفرمائید آیا علامه قزوینی بر هر دو مرحله تسلط داشتند؟

محمد روشن: البته مرحوم علامه قزوینی چنان که سروران بنده با شرح حالشان آشنایی دارند تحصیلات حوزوی بسیار عمیقی داشتند. تحصیلات حوزوی هنوز هم جنبه‌های متنوعی دارند یعنی پاره‌ای طلبه‌ها رشته‌هایی را انتخاب می‌کنند که به فقه برمی‌خورد مثل حاج آقا حسین بروجردی که مرجع شیعیان جهان بود یا پاره‌ای از اینها گرایش علمی - انسابی داشتند، آقا نجفی مرعشی که ملاحظه فرمودید ایشان متخصص به علم انساب بودند یا مانند مرحوم علامه طباطبایی که به فلسفه گرایش داشتند ولی بر ادبیات هم مسلط بودند. مرحوم قزوینی شاگرد میرزا حسن آشتیانی - مرجع بسیار نام‌آور مقیم ایران و تهران که یک عکس وجود دارد که نشان می‌دهد کل مردم تهران در تشییع جنازه او رفته بودند - و مرحوم حاج‌شیخ فضل‌الله نوری بود - می‌گفت پسرش پیش من درس می‌خواند و من پیش خود استاد تلمذ می‌کردم - علامه قزوینی برادری داشت که به نمایندگی بانک ظاهراً شاهنشاهی آن روزگار که بانک انگلیسی بود برای مأموریتی به لندن رفته بود و آن کتابخانه‌ها را نگاهی انداخته بود و عشق برادرش را به کتابخانه‌ها می‌دانست. از او دعوت کرد تا یک ماهی از آن کتابخانه‌ها دیدن کند و آن مسئله حدود سی سال مرحوم قزوینی را در در کشورهای چون انگلستان و

فرانسه و آلمان پاگیر کرد. در زمینه تحصیلات ایشان در ادبیات شاخص بودند. البته در زمینه‌های دیگر نیز به مدارج عالی رسیده بودند. البته ما اجازاتی از ایشان ندیدیم که چاپ کرده باشند و آن طور که برمی‌آید پیش بزرگانی ایشان تلمذ کرده بودند که شأن علمی و فقهی کامل داشتند ولی گرایش شخصی ایشان ادبیات عرب بود و در آنجا یا متون فارسی آشنا شدند و کار را به شیوه بسیار وسواس‌گونه ادامه دادند. البته شرایط و امکانات در آن روزگار از همان جوانی فراهم شده بود و ارتباط با بزرگان و رجال آن زمان مثل مرحوم محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) که می‌گفت او پیش من عربی می‌خواند و من پیش او فرانسه می‌خواندم. کارش همین بود که آنجا تحقیق و مطالعه بکند چنانکه همین کتاب جامع‌التواریخ را ملاحظه می‌کنید ۲۴ سال بعد از چاپ این جهانگشای جویی است کار تا آخر عمرش ادامه داشت.

● آن مرحله دوم را بفرمائید چه بود؟
آقای روشن: آن مرحله ثانویه است که هیچ وقت آدمی از کار بررسی و تصحیح و انتقادی متن‌ها دل‌کنده نمی‌شود.

● آقای دکتر عابدی شما بفرمائید با توجه به اینکه شیوه تصحیح انتقادی قدمت زیادی ندارد آیا این شیوه به تقلید از غربیان در ایران رواج یافت یا اینکه علامه قزوینی با نگاه دقیق به روش تصحیح پیشینیان ما به این اسلوب دست یافتند؟ به بیان دیگر آیا شیوه علامه قزوینی در تصحیح متون شیوه‌ای ابداعی بود یا شیوه‌ای تقلیدی؟

محمود عابدی: به نام خدا. با اجازه از استادان محترم البته عرض بنده چیزی بر سخنان آقای روشن نمی‌افزاید اما شاید بتوان گفت که آن مطالب را مقداری باز می‌کند.

همانطوری که اشاره فرمودند تصحیح متن به هدف عرضه متن به بهترین صورت به خواننده در ایران بی‌سابقه نیست. خوب اشاره کردند به قرآن که در حقیقت اصیل‌ترین و معتبرترین منبع جهان اسلام است. ما در گذشته بارها شنیده‌ایم که فلان متن به دست مؤلف نوشته شده است. فلانی متنی را به دست آورده است که به دست مؤلف نوشته شده و چه بسا حواشی‌ای که در آن کتاب است از مؤلف است که این نوع نسخه‌ها گویی ارزش ثانویه‌ای داشته‌اند. اصلاً غرض یک مصحح در تصحیح یک متن رسیدن به همان متن است و ما در گذشته از این نوع کارها که نوعی کار ارزشی بود، فراوان داشتیم تا آنجا که من یادم هست مثلاً در آثار جامی می‌بینیم که اشعة‌اللمعات را وقتی جامی می‌خواهد بنویسد از او می‌خواهند که از لمعات فخرالدین عراقی نسخه‌ای منقح و مصححی فراهم کند. معلوم است که این شیوه سابقه داشته است. قبلاً

احیاناً اگر از متنی نسخه‌های متعددی وجود داشته است آنها را با هم مقابله می‌کردند و نسخه بهتر و کاملتر و دقیقتر که تصحیح شده است را در اختیار خوانندگان قرار می‌دادند. این شیوه تا همین اواخر معمول بوده است. گمان نمی‌کنم که کار جامی و کسانی مثل جامی قطع شده باشد. اما تصحیح متون به گونه‌ای که امروزه متداول است با آثار علامه قزوینی رواج یافته است یعنی پیش از پرداختن به متن، یافتن نسخه‌ها و پیش از دادن متن صحیح به خواننده، مقابله کردن آنها و بعد از آن یافتن صحیح‌ترین صورت‌ها و احیاناً حل مشکلات، یعنی آنچه که می‌تواند اطمینان خواننده را به اصالت متن هر چه بهتر و بیشتر برانگیزد و اعتماد او را بیشتر بکند شیوه‌ای نیست که سابقه داشته باشد. تا جایی که می‌دانیم این شیوه را فرنگی‌ها باب کردند. البته مرحوم قزوینی ظاهراً اگر هم نخستین کس نباشد بنا بر معروف نخستین کسی است که در عرصه فرهنگ ایرانی این کار را کشف و توجه خوانندگان و اهل ادب و اهل کتاب را به این شیوه معطوف کرده است و این ایمان را در آنها برانگیخته که این شیوه معقول و درستی است.

● آقای دکتر ماهیار، با توجه به این که استادان روشن و عابدی در مورد پیشگامان تصحیح متون و ویژگی‌ها و روش تصحیح متون توضیحاتی دادند حضرت‌عالی درباره ویژگی‌های تصحیح متون به شیوه علامه قزوینی توضیحاتی بفرمائید و این که روش ویژه ایشان با دیگر مصححان چه تفاوت‌هایی دارد؟

عباس ماهیار: با نام خدا. بنده چیزی مضاف بر سخنان آقای روشن و آقای عابدی نخواهم افزود اما یکی دو نکته به نظرم می‌رسد که عرض می‌کنم: اول در باب قرآن مجید بگویم یعنی آن وقت که صاحب‌سر رسول‌الله به هنگام جنگ‌ها متوجه شدند که نیروهای اسلامی عرب زبان که از مناطق مختلف هستند گاهی پاره‌ای از واژه‌های مترادف قرآن را به جای هم بکار می‌برند؛ از اینرو پیش خلیفه سوم آمد و گفت اگر می‌خواهی قرآن از دست نروید یک قرآن مصحح کامل انتخاب کن بنابراین در همان زمان مقرر شد جماعتی چهار نفره تحت یک شرایطی شروع کردند به نوشتن و پیراستن متنی که در زبانها بود. در این زمینه ظاهراً یک نظر دیگر هم هست و آن اینکه احیاناً نوشته‌هایی که صحابه رسول‌الله از قرآن مجید داشتند جمع‌آوری می‌شود. امیرالمؤمنین قرآنی نوشته بود بر مبنای اوقات نزول، این که کی نازل شده است می‌خواستیم این توضیح زیادی را در این باب داده باشم.

اما درباره نکته‌ای که به تصحیح متون مربوط می‌شود دلم می‌خواست که آقای روشن که در این زمینه سابقه‌ای ممتد و طولانی دارند در باب نسخه اساس بفرمائید که آیا نسخه اساس باید اقدم نسخه‌ها باشد یا

اصح نسخه‌ها؟ و آیا اقدم نسخ اصح است یا نیست؟ اگر این نکته را در چند جمله‌ای بفرمایند بعد من می‌خواهم چند سؤالی در این زمینه مطرح کنم.

● آقای دکتر ماهیار ما در ادامه نسخه‌های اقدم به عنوان نسخه اساس از دیدگاه مرحوم قزوینی بحث خواهیم کرد. شما بفرمائید تصحیحات علامه قزوینی دارای چه ویژگی‌هایی بوده است و آیا با روش تصحیح مصححان قبل و بعد از خودش تفاوت‌هایی دارد؟ و شاخص‌های عمده تصحیح انتقادی علامه چه بوده است؟

عباس ماهیار: به نظر من مهمترین ویژگی‌ای که در کار علامه وجود دارد دقت اوست این دقت در زاویه‌های متفاوت می‌تواند بررسی شود.

محمد روشن: علم وافر ایشان به زمینه‌های مورد مطالعه هم همینطور.

عباس ماهیار: این دقت را با مثال می‌توان چنین گفت: علامه قزوینی کتابهای مختلفی را تصحیح کرده‌اند و برای آنها مقدمه نوشته‌اند مثلاً مقدمه‌ای که بر تفسیرالفتوح رازی نوشته‌اند یک تفسیر است. یا مقدمه‌ای که بر تاریخ جهانگشا نوشته‌اند یک مقدمه عالمانه است. کتاب شاهنامه ابومنصوری را ایشان تصحیح کرده‌اند. یک دقت وسواس‌گونه‌ای در این تصحیح نهفته است و به نظر من مهمترین ویژگی کار علامه قزوینی دقت است. این دقت را ما در جاهای متفاوت کار ایشان می‌بینیم حتی در نامه‌ای که به مرحوم جمالزاده می‌نویسند در باب یکی بود و یکی نبود، این دقت کاملاً مشهود است که چه کار می‌کند و چه می‌نویسد و چه می‌گوید.

مهمترین کار او دقت اوست. دقت در تنظیم مطلب، که مطلب را چگونه تنظیم کنند و بعد توضیح یک یک آن مواردی که تنظیم کرده است و بعد دقت در هر مسئله‌ای که در آن زمینه مطرح کرده است. مثلاً در تفسیر ابوالفتوح رازی وقتی می‌خواهد بحث از ابوالفتوح را شروع کند از اجدادش شروع می‌کند وقتی از اجدادش شروع می‌کند یک اشتباهی در مستدرک‌الوسایل مرحوم محدث نوری پیدا می‌کند. اما ادبش اقتضا می‌کند که این اشتباه را یک طغیان قلم بنویسد یعنی می‌نویسد این طغیان قلمی است. چون از محدث نوری انتظار این اشتباه را ندارد. هم ادب و هم دقت خودش را نشان می‌دهد. بعد وقتی که سلسله ابوالفتوح را بررسی می‌کند در مواردی که اهل سنت هستند به همه کتابهایی که مربوط به آنهاست مراجعه می‌کند از قدیم‌ترین کتاب‌های رجال شروع می‌کنند، از الاستیناف شروع می‌کند و بعد می‌رسد به أسدالغابه و بعد به اصحابه، همین‌طور در کتاب‌های اهل سنت شروع می‌کند و می‌آید پایین و بعد که می‌رسد به خود ابوالفتوح رازی از کتاب‌های شیعی شروع می‌کند مثلاً از فهرست شیخ متعب‌الدین که معاصر و شاگرد ابوالفتوح بوده و بعد از ابن شهر آشوب از معالم‌العلماء و اندک اندک می‌آید پایین‌تر تا به تنبیه‌المقال آقا شیخ عبدالله مامقانی می‌رسد. این دقت را در هر بابی از سخن علامه قزوینی می‌بینیم و فکر می‌کنم که انگیزه اساسی شهرت قزوینی در تصحیح متون برخاسته از دقت او باشد.

● آقای دکتر فتوحی آیا مصحح باید نسخه‌شناس باشد؟ آیا باید بر علوم زبان خودش مثلاً در زبان‌شناسی تخصص داشته باشد. دستور هم بداند تاریخ و جغرافیا و علم رجال و انساب هم بداند یا نه؟ آیا علامه قزوینی بر همه علوم اشراف داشتند؟

محمود فتوحی: با نام خدا. با کسب اجازه از محضر استادان عزیزم. جسارت است که بنده در برابر استادانی که سالها شاگردشان بوده‌ام، سختی بگویم، اما آنچه که می‌گویم اندوخته‌هایی است که از محضر همین بزرگان کسب کرده‌ام. در پاسخ به سؤال شما باید بگویم که علامه مرحوم قزوینی یک ادیب به تمام معنا بود با آن شاخص‌هایی که این خلدون در مقدمه کتاب خودش درباره ادب و شاخه‌هایش می‌نویسد. مرحوم دهخدا در ذیل واژه ادب، علوم و معارفی را که ادب بر آنها اطلاق می‌شد برمی‌شمارد و آنها ده تا پانزده مورد است که در واقع علامه قزوینی آشنا به همه این مقولات بوده است؛ از انشاء، قرائت، نحو، لغت و صرف بگیریم الی آخر، معمولاً علامه نوع قرائتی که از متن‌ها و تسلطی که بر قرائت متن‌ها داشته‌اند به وضوح مشهود است علاوه بر این در تعلیقاتی که در تصحیح داشته‌اند اگر نگاه کنیم احاطه ایشان بر تاریخ و نجوم پیدا است. مثلاً در چهار مقاله خواهیم دید که چقدر بر نجوم تسلط دارند. در علم طب که در چهار مقاله می‌بینیم. در علم تاریخ که در تصحیح جهانگشا مشخص است و نیز در حواشی آنها و در علم کلام و همچنین در علم زبان عربی - چون من در نامه‌ای از ایشان به یکی از مستشرقان خواندم که نوشته بودند اغلاط شما اغلاط یضحک نکلا است. (این یکی از تعابیر کهن عربی است به این معنی که زنی که فرزند جوانش مرده به اغلاط شما خنده‌اش می‌گیرد.) در علم رجال و همه علومی که در واقع یک حکیم و یک ادیب در قدیم باید می‌دانست ایشان تسلط داشتند.



نکته مهم این است که علامه قزوینی یک سبک‌شناس متبحری بود که سبک‌شناسی را نه از روی فرمول‌های جدید بلکه از شم قوی زبانی خودش و از کثرت ممارست قرائت متون کسب کرده بود. شما اگر یادداشت‌های قزوینی را ملاحظه فرمائید متوجه می‌شوید که نکته‌هایی که در متون انگشت گذاشته بودند نکته‌هایی بودند که در این متون مهم هستند و یا مسئله مهم و مشکل مهمی است که اگر ایشان نتوانستند حل کنند کسان دیگر نیز نتوانسته‌اند حل کنند.

در واقع این نکته‌یابی‌ها دلالت بر این دارد که قزوینی امهات متونی را که در هر یک از این شاخه‌های علمی از نظر گذرانده‌اند و همان چیزی که اشاره کردند و من هم به آن اضافه کنم این است که امروزه یکی از ضعف‌های بزرگ ما این است که به اصطلاح ژورنالیستی به منابع دست اول مراجعه نمی‌کنند و یادداشت‌های قزوینی و تعلیقه‌های قزوینی در متونی که تصحیح کرده‌اند تماماً دست اول است یعنی پیش از آن منابع نمی‌شناسید و نمی‌توانید پیدا کنید مگر این که در دسترس ایشان نبوده باشد.

● استاد روشن به نظر حضرت تعالی تعلیقات علامه قزوینی بر آثاری که باشیوه‌ای علمی تصحیح کرده‌اند تا چه اندازه دارای ارزش و اهمیت است؟

محمد روشن: البته عزیزان عنایت دارند که مرحوم قزوینی وقتی از سفر طولانی خود از فرنگ بازگشتند اکابر رجال به خاطر احترام و ارادت و آشنایی که به مرتبت و فضایل علمی ایشان داشتند بسیار مُصر بودند که مرحوم علامه قزوینی در یکی از دانشکده‌ها مشغول به تدریس باشند که ایشان به سختی تحاشی کردند. این به زعم من یک نوع ویژگی مرحوم قزوینی را نشان می‌دهد. می‌گفت: آقا من یک محقق و یک کتابخوان هستم در گوشه یک کتابخانه باید بنشینم و استنباط‌های خود را به همان صورت یادداشت به یادگار بگذارم. تدریس را قبول نکردند برای این که معتقد بودند احیاناً در عرصه تدریس کمیت‌شان لنگ است که

حاشا و کلا نبوده است. البته زندگی علامه قزوینی چنانکه اشاره کردم به خاطر ارتباطها و آشنایی‌ها باز استثنایی بود به صورتی که امروزه برای هیچ یک از علمای ما با وجود این که دانشگاه‌ها گسترش پیدا کرده‌اند وجود ندارد. مرحوم قزوینی استثنائاً از این موهبت برخوردار بود که با اکابر و رجال دوست بود و آنها هم غمش را می‌خوردند به هر حال چیزی به او می‌رساندند که مایه معیشت ایشان فراهم باشد و خودش هم الحق و الانصاف آن قدر بزرگوار و با سعه صدر و نجیب بود که هیچ وقت از وقت خودش را العیاذبالله صرف لهو و لعب و مسائل دیگر نمی‌کردند. اما در پاسخ استاد عزیزم آقای ماهیار درباره نسخه‌ها که آیا نسخه اساس اقدم نسخ یا اصح نسخ باشد باید عرض کنم اگر نسخه اساس به خط مؤلف باشد آن دیگر نعم‌المطلوب است و تاکنون خیلی نادر اتفاق افتاده است ولی نسخه اصح اصطلاح بسیار مقبولی است. در حال حاضر بهترین دیوانی که از حافظ وجود دارد نسخه قزوینی است. با وجود این که چندین نسخه دیگر هم کشف و پیدا شد ولی دقت نظر و اصالت تتبع مرحوم قزوینی را نشان نمی‌دهند. دقت مصحح و قدرت استنباط آن می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که با توجه به اصالت متن به نسخه نگاه کنیم چه بسا که نسخه مؤخر به اعتبار تجدید نظرهای مؤلف و سایر وجوه برتری را به ما عرضه بدارد. اینها هنرها و ظرایفی است که مصحح باید داشته باشد.

● آقای دکتر ماهیار در مورد تعلیقات و نسخه‌های اقدم و اصح صحبت بفرمایید.
عباس ماهیار: من معتقد هستم که با توجه به همان دقت و وسواس که بعضی از همین مقولات از آنجا سرچشمه گرفته است در مقدمه شاهنامه ابومنصوری که تصحیح شده بعضی غلط‌های روشن می‌بینیم از جمله اینکه نوشته است «و چینیان بصلویر اندر افزودند» که

خود مرحوم قزوینی در زیر این کلمه نوشته‌اند که به نظر می‌رسد کلمه تصاویر باشد و از یک نسخه‌ای که از سال ۷۱۳ در کتابخانه دارالکتب قاهره است مقدمه شاهنامه ابومنصوری را توسط یکی از دوستانم بدست آوردم تاریخ آن موخر است. یعنی نسبت به نسخه قبلی که تصحیح شده ۶۷۵ است ولی نسخه سال ۷۱۳ دقیقاً تصاویر است. و به خاطر همین مورد است که بنده از آقای روشن سؤال کردم که چه کار می‌شود کرد؟

بعضی از وسواسها، گرفتاریها بوجود می‌آورد چون ما زمانی در فرهنگستان زبان کتابهایی را تحت عنوان واژه‌نامه‌های بسامدی کار می‌کردیم؟ میزان‌الحکمه خازنی را کار کرده بودند و برای من فرستادند که ببینم و اظهار نظر کنم. من به یک واژه‌ای برخورددم به نام؟ الحایه‌بر. این کلمه برای من خیلی عجیب بود که معنای این کلمه چیست؟ بعد این کلمه را در کتاب مشهور ابوریحان دیدم که نوشته الحایه دیسه به معنی بیضوی شکل. این کلمه را مرحوم مدرس رضوی با توجه به وسواس خودشان الحایه‌بر نوشته‌اند و این کلمه را مشکل‌تر کرده‌اند و مشکلی برای نسل جوان بوجود آمده است که وقتی به این کتاب نگاه می‌کند به کلمه الحایه برمی‌خورد که معنی آنرا نمی‌فهمد.

● آقای دکتر مرحوم قزوینی از نسخه اقدم استفاده کرده بودند یا از نسخه اصح؟

عباس ماهیار: البته از نسخه اقدم استفاده کرده مرحوم قزوینی در شاهنامه ابومنصوری نسخه اقدم را انتخاب کرده‌اند و این اقدام‌بودن را همه آنها می‌دانند که کرده‌اند انتخاب کرده‌اند.

محمد روشن: بلی متأسفانه همه از نسخه اقدم استفاده کرده‌اند.

عباس ماهیار: و متأسفانه نسخه ۶۷۵ آن اندازه ارزش ندارد که نسخه ۷۱۳ دارد. نسخه ۷۱۳ از کتابخانه دارالکتب قاهره خیلی باارزش است و خود متن این را نشان می‌دهد. من متن مقدمه شاهنامه ابومنصوری را که از مصر آورده بودند چون فیلم بود گفتم، این به درد من نمی‌خورد و اگر بماند خراب می‌شود و به کتابخانه



عباس ماهیار

مرکزی دانشگاه تهران دادم تا آنجا نگهداری شود.
محمد روشن: قاعدتاً باید به ازای آن، عکسی را به شما می‌دادند چون روش آنها این است. من هر وقت فیلم به آنها دادم عکس آن را به من داده‌اند.

عباس ماهیار: به هر عنوان این وسواس خواص مرحوم قزوینی باعث شده است که این گونه مشکلات در آثار بوجود بیاید.

محمود عابدی: حضورتان عرض کنم که بحث من بر می‌گردد به اول بحث، یعنی خصلتهای مرحوم قزوینی. یعنی آن صفت‌های اصلی‌ای که امروزه یک مصحح پای بر جای پای قزوینی می‌گذارد باید در آن ببیند و می‌تواند ببیند و قزوینی را این صفتها قزوینی کرده است. بنیه‌ها و توانایی‌های علمی علامه قزوینی را به خوبی اظهار کردند و حق مطلب را ادا کردند. قزوینی انصافاً در متون و کارهایی که تصحیح کرده است آنچنان که از مقدمات و تعلیقات برمی‌آید و مشهود است به موضوع اشراف داشته است حالا نه اینکه وقتی به جامع‌التواریخ اشاره می‌کنیم یعنی در تاریخ اشراف دارد اما به آنچه که باید بخواند و بنویسد اشراف داشته است، اشراف لااقل اجمالی. اما اگر از این نکته بگذریم غیر از آنکه در مورد دقت و وسواس ایشان گفتند چیز دیگری نیز در قزوینی مشهود است. من گاهی اوقات وقتی به کار قزوینی نگاه می‌کنم این احساس را در خود می‌بینم که قزوینی گویی خود مولف این کتاب است. یعنی چنان می‌خواهد این کتاب را به بهترین صورت به خوانندگان ارائه دهد که گویی نوشته خودش است.

محمد روشن: دقیقاً این مورد را تأیید می‌کنم.

محمود عابدی: یعنی پیوند به متن. این غیر از این است که بین نویسنده و مولف و مصحح یک پیوند روحانی وجود دارد. در واقع علامه نشان دادند که به فرهنگ ایرانی و اسلامی نیز پیوند دارند. نکته‌ای را که اینجا می‌خواهم عرض می‌کنم این است که قزوینی اعتقاد به کار داشت. مرحوم جمالزاده درباب زن گرفتن مرحوم قزوینی می‌گوید: که وقتی زنی را به او نشان دادند مرحوم جمالزاده گفتند استاد این زن از بزرگان

اروپاست. گفت خوب! بنده نیز مرزبان نامه را تصحیح کردم. یعنی متن مرزبان نامه برای قزوینی یک ارزش بود و یک کار بزرگ برای او تلقی می‌شد یعنی رفتن او به طرف تصحیح متن به عنوان انجام دادن یک کار و خدمت بزرگی است و این اولین دلیل بود. دومین دلیل بعد از اشراف به متن حوصله و وسواس است اینکه حوصله می‌کرد این همه در یک متن تأمل کند بی‌تردید همانطور که اشاره فرمودند غیر از اعتقاد و امکانات، همان امنیت خاطر می‌بود که به آن مربوط است. اما خود قزوینی را عرض می‌کنم گویی با این متن خلوت می‌کرد. آیا برای شما حیرت‌انگیز نیست که کسی که تاریخ جهانگشا و جامع‌التواریخ و مرزبان نامه را تصحیح کرده است حافظ را هم تصحیح کند؟ خیلی عجیب است! اما چون به فرهنگ ایرانی و به کار و به متن و به عرضه کتاب و به خواننده به درستی می‌اندیشیده و معتقد بوده است به نظر من این عوامل باعث شد که قزوینی، قزوینی شود.

● آقای دکتر عابدی اشاره کردید به تصحیح دیوان حافظ. بهترین تصحیحی که از دیوان حافظ موجود است تصحیح علامه قزوینی است و با توجه به اینکه علامه قزوینی بیشتر عمر خود را صرف تصحیح متون کرد و تصحیح دیوان حافظ نیز بهترین تصحیحی بود که علامه در حوزه متون منظوم انجام داد، می‌خواهیم نظراتان را درباره مفهوم تبدیل به احسن بفرمائید. در دیدگاه قزوینی عامل ذوق تا چه اندازه در تصحیح متن دخیل بوده است و خود ایشان تا چه اندازه در تصحیح متن به سلیقه و نظر و ذوق خود اعتماد می‌کردند و در تصحیح آن را روا می‌داشتند؟

محمود عابدی: امروز استادان من بهتر از من می‌دانند مصحح امین هرگز خودش را و ذوق خودش را بر آن نمی‌گذارد که متن را تغییر دهد

محمد روشن: ابدأ نباید این نظر را داشته باشد.

محمود عابدی: غرض کشف هنر و کار و نوشته مولف است.

● حتی در بخش‌هایی که متن خوانا نیست؟

محمود عابدی: این را خود قزوینی هم به بهترین شکل دریافته بوده است. در جایی که یک مصحح با کمی عدول از نسخه و خط اساس و اندکی تغییر دادن و پیروی کردن از ذوق می‌توانسته مشکل یک متن را حل کند مرحوم قزوینی این کار را نکرده است. به سختی پایبند آن متن بوده است و گاهی با حیرت، اندکی از ذوق پیروی کرده ولی به خودش حق نداده متن را عوض کند. عباس ماهیار: دقیقاً. چون نظر ذوقی خود را در حاشیه نوشته است.

محمود عابدی: در همین جا یک نکته گفتمی است و آن هم این است؛ متأسفانه در تاریخ نسخه‌نویسی در جهان و نسخه‌نویسی فارسی وقتی ما نگاه می‌کنیم، می‌بینیم هر چه از گذشته‌های دور به طرف خودمان می‌آییم نسخه نویسه‌ها گویی شتابزده، عجول و کم دقت‌ترند، گویی که امانت‌داری در تاریخ نسخه‌نویسی کم‌رنگ‌تر می‌شود و این نشان دهنده این حقیقت تلخ است که به آدم می‌گوید که نسخه اقدم اگر چه بهترین نسخه هم نباشد باید ثابت شود که ضعیف است اما نسخه متاخر اگر چه اصح هم باشد اما باید ثابت شود که درست است. ببینید! اینها گویی با هم یک اختلاف ارزشی دارند یعنی اقدم بودن در نسخه‌نویسی ما یک ارزش است هر چند که ضعفهایی هم داشته باشد. نسخه‌ای که متاخر است با اینکه متاخر است ولی ممکن است اصح باشد و اما به این سادگی نمی‌توان از نسخه اقدم گذشت به دلیل اینکه تاریخ بررسی نسخه نویسی به ما می‌گوید نسخه نویسان متاخر چندان امین نبوده‌اند و این یک آفتی است که ظاهراً بر روی نسخه نویسی ما افتاده است.

● علامه قزوینی متون مختلفی را تصحیح کردند و این متون گاه دیوان حافظ بوده که در واقع یک متن ادبی است، گاه چهار مقاله نظامی عروضی و گاه متن تاریخی مانند جامع‌التواریخ. یعنی در حوزه‌های مختلف تجربه‌های بسیارگران‌قیمتی داشته است و هر کجا هم که پا گذاشته بهترین کار را انجام داده است. حالا آقای دکتر فتوحی می‌خواهم بفرمائید آیا مرحوم قزوینی برای

هر کدام از این متون روش و شیوه خاصی بکار برده‌اند یا اینکه یک روش خاصی را برای همه این متون اعمال می‌کردند یعنی وقتی می‌خواستند یک متن منثور را تصحیح کنند همان روش و شیوه را بکار می‌بردند که مثلاً برای تصحیح دیوان حافظ بکار می‌بردند؟

محمود فتوحی: تصحیح متن بین نظم و نثر تفاوت چندانی ندارد مگر اینکه در استنباطها و در تعلیقاتی که به متن می‌نویسند این تفاوت بروز کند. دلیل موفقیت علامه قزوینی در همه زمینه‌های متنوعی که کار کرده‌اند به گمان من اول دقت و دوم جامعیت علمی ایشان است.

● این به روش‌مندی ایشان بر نمی‌گردد.

محمود فتوحی: بله. ولی دقت، خودش یکی از مبانی روش‌مندی است.

محمد روشن: علامه قزوینی در زندگی علمی‌اش انسانی است دقیق‌النظر.

دکتر فتوحی: البته من تجربه تصحیح متون ندارم اما تورقی که به عنوان شاگرد در کار استادانم کردم می‌توانم بگویم که تصحیح متون روش‌های متعدد دارد. می‌توان گفت یک روش دارد و بقیه ضدروش هستند و آن روش درست عبارت است از رسیدن به متن درست و صحیح و پرهیز از استنباط‌های نه چندان نادرست یا اصلاً دخل و تصرف کردن در متن.

● ببخشید! منظور این بود که شیوه کارشان چه بود؟ در شیوه‌های معمول تصحیح از گذشته تا به امروز، همانطوری که علامه قزوینی نسخه اقدم را نسخه اساس قرار می‌داد خوب بعضی این کار را نمی‌کنند. آیا علامه قزوینی در تصحیح همه متون این کار را می‌کردند و آیا به روش التقاطی هم اعتقاد داشتند و نیز روش قیاسی و شیوه بینابین تا چه اندازه‌ای مورد قبول او بود. یعنی روش‌های گوناگونی که در تصحیح وجود داشت آیا آنها را می‌پذیرفت یا آنکه بنا به گفته شما فقط یک روش داشت و آنها را براساس نسخه اقدم کار می‌کرد و آن را اساس قرار می‌داد؟

دکتر فتوحی: تا جایی که ذهن من یاری می‌دهد ایشان بیشتر به نسخه اقدم توجه داشتند.

دکتر ماهیار: وسواس خاص ایشان ایجاب می‌کرد

که او این کار را بکند و به نسخه اقدم توجه کند، علامه می‌نویسد: همیشه صرف رضی‌بالای سرم قرار دارد هر وقت هم، هر مطلبی از من می‌پرسند به آن نگاه می‌کنم یعنی متکی به حافظه و ذهن خودم حرف نمی‌زنم این همان وسواسی است که او را وادار می‌کند تا از نسخه اقدم تبعیت بکنند و از خودش نمی‌خواهد حرف بزند.

دکتر فتوحی: بالاخره نسخه اقدم در اغلب کارهای علامه قزوینی لحاظ می‌شد چون اقدم بودن خود دلیل بر صحت و سندی متن است.

من در یک جستجویی که در نسخه‌های خطی دوره صفویه به مناسبت کاری که داشتم انجام می‌دادم دیدم بعضی از نسخه‌نویسان به قدرتی غلط‌های فاحش داشتند که گاهی اوقات واقعاً تعجب می‌کردم که اینها چگونه می‌نوشتند. مثلاً کتاب احیاءالعلوم‌الدین غزالی را نوشته بود اجبار علوم‌الدین. حتی با خط شنگرف (به قلم سرخ) هم نوشته بود و خیلی اشتباهات دیگر.

آقای روشن: اشکال در تصحیحات در خط فارسی همیشه امکان وقوعش هست خاصه که عدم دقت کاتبان وجود داشته باشد.

دکتر فتوحی: فکر می‌کنم علامه قزوینی اعتمادی هم به نساخان دوره‌های متأخر و به ویژه دوره صفوی که بی‌سوادی خیلی رواج داشت، نداشت به همین جهت شاید بتوان گفت که یکی از دلایلی که علامه قزوینی از نسخه اقدم استفاده می‌کرد و آن را مورد توجه قرار می‌داد همین باشد و دیگر شیوه‌های تصحیح را کمتر مورد توجه قرار می‌دادند.

دکتر عابدی: حقیقت این است که هرکاری با نقد تکمیل و تصحیح می‌شود. علامه قزوینی در واقع آغازکننده این شیوه در فرهنگ ایران بود به شیوه‌ای که ما اصطلاحاً می‌گوییم شیوه‌های تحت تأثیر فرنگی. ضمناً شخصیت او هم شخصیتی بود که خوانندگان متون او به خود اجازه نمی‌دادند به این سادگی به او ایراد بگیرند و اصلاً فرصت توفیق این را هم پیدا نکرد که از آراء منتقدان و صاحب‌نظران استفاده کند. و امروز آنچه که ما در آثار او و کارهای او می‌بینیم نقدهایی است که از

پرتال جامع علوم انسانی

آن روز تا امروز انجام گرفته است و همین‌ها در روزگار خود او نبود که ما بگوییم که شیوه او در کارها تغییر کرد و دیگرگون شد.

به نظر من امانت و اعتقادی که علامه قزوینی به این کار داشت کم نظیر است و امروز ما به این چیز احتیاج داریم. بعد از اعتقاد به ارزش این کار و بعد از فراهم شدن آن، امنیت خاطر مهمترین شرط این کار است که عزیزان فرمودند. چون این کار خلوت است و کار تأمل. کار فرورفتن در یک متن است که چه بسا با ارزش‌های امروز ناسازگاری دارد. فرض مصحح این است که کتاب را از کنج کتابخانه بیرون بکشد و به خواننده بگوید که این کتابی که در کنج کتابخانه‌ها متروک بود دارای ارزشهایی است که بخش‌هایی از زندگی و ذهن اهل زندگی امروز را روشن می‌کند. این کار، کار ساده‌ای نیست و لوازمی دارد که امروز متأسفانه فراهم نیست اما بخشی از آن برای علامه قزوینی فراهم بود.

● علامه قزوینی چه تأثیری بر مصححان روزگار خود و عصر ما گذاشته است. و دیگر اینکه مصححان عصر ما توانسته‌اند شیوه علامه را به کمال برسانند؟

دکتر ماهیار: به نظر من آنهایی که اندیشه قزوینی و آن دقت و وسواس را داشتند پیروی از او کردند و احیاناً اگر مطلب تازه‌ای پیدا شده از آن هم بهره برده‌اند اما آنهایی که پیرو قزوینی نبودند یعنی کسانی بودند که دانسته‌های خود را و ذهن خود را بر متن ترجیح می‌دادند آنها به نظر من یک راه دیگری رفتند.

● شما کار چه کسانی را ادامه کار قزوینی می‌دانید؟

استاد روشن: مرحوم مینوی، چون در جوانی جزو معتمدان کار قزوینی بود اما به دور از وسواس تقریباً بی‌حد و حصر قزوینی. اولین بار مرحوم مینوی این شهامت را به کار برد که در تصحیح ناصر خسرو در مقابل هر بیتی که آن را نفهمیده بود یک علامت سوال گذاشت. باید مصحح این شأن و شرف را داشته باشد که چیزی را که نمی‌فهمد با یک علامت سوالی برای خواننده‌اش روشن کند چون همه چیز را همگان دانند. شاید برای من مسئله‌ای شاق است ولی برای اساتید یا خوانندگانم حتی متعارف، روشن روشن باشد.

● آیا استاد خانلری در شیوه تصحیح از علامه قزوینی پیروی می‌کردند؟

دکتر ماهیار: فکر می‌کنم باز در میان کسانی که این راه را پیمودند مرحوم امیرحسین یزدگردی در نفیة‌المصدور است که خدا بیامرزد به خاطر وسواس و دقتی که کرده است، نشانه‌هایی از دقت مرحوم قزوینی را دارد.

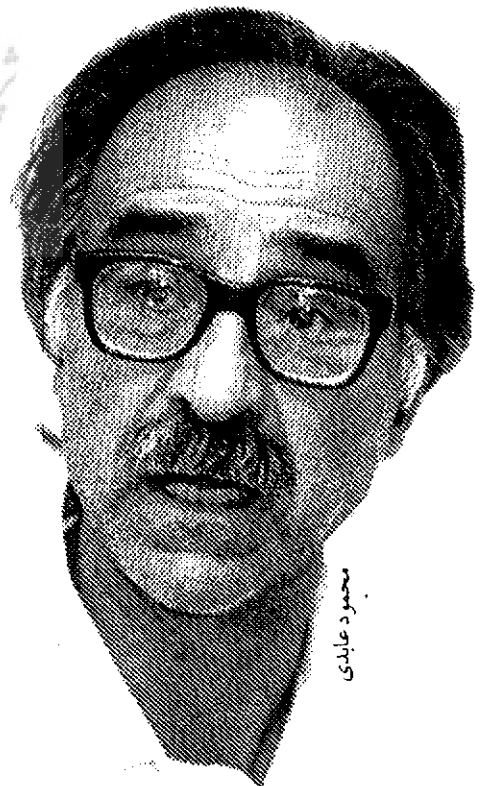
● آقای دکتر عابدی روش علامه قزوینی بعدها تکمیل شده یا شیوه ایشان تداوم یافته است؟
دکتر عابدی: عرض کنم به حضور شما که به «کمال رسیدن»، گفتن سخت است.

● سیر صعودی داشته است یا نه؟
دکتر عابدی: از یک دید که نگاه کنیم متأسفانه خیر. با اینکه به همه مصححان باید احسن گفت و در مقابلشان سر تعظیم فرود آورد و در تاریخ ادب کار آنها را قدر و ارزش گذاشت اما باید بگوییم که آن مایه اولیه و آن دقت و تأملی که تأکید و تکرار کردیم متأسفانه کمتر شده است. به غیر از مرحوم دکتر یزدگردی که عزیزان گفتند، فرو رفتن در متن و وسواس داشتن و یافتن آن دقایق و ظرایف متن که رسیدن به آن کار ساده‌ای نیست در کمتر کاری می‌توان جستجو کرد. اما در طول زمان طبیعی است که هرکاری که بر اثر گذشت زمان رو به کمال می‌رود. در این باب می‌توان از بسیاری از کارها مانند حافظ به تصحیح سایه یاد کرد، که ابتهاج با کمال دقت انجام داده‌اند و البته کار نهایی نیست و کاستی‌هایی در آن می‌توان یافت، اما نمی‌توان گفت از کار مرحوم قزوینی پایین تر است. حاشا که چنین باشد.
استاد روشن: از جمله کسانی که شیوه علامه

قزوینی را ادامه دادند، دکتر شفیعی کدکنی است. ایشان با تصحیح اسرارالتوحید مسئله اسرارالتوحید را حل کرده است. تا حدودی چهره‌های مشخصی هست ولی امید چندانی به گسترش و کمال این دانش که بسیار حوصله سوز و مایه زحمت خاطر و تشویش خاطر است، نداریم یعنی در میان دانشجویان نمونه‌های درخشانی نمی‌بینیم.

دکتر عابدی: بنده چیز دیگری نیز اضافه می‌کنم و آن این است که در این سیر کمالی تصحیح متون، خوشبختانه اخیراً عرصه‌ها و شاخه‌های تازه‌ای بر تصحیح متن افزوده شده است. عالی‌ترین نمونه این کار را همان اسرارالتوحید آقای شفیعی کدکنی - که عزتش پر دوام باد - در آنجا باید جستجو کرد که ظاهراً مرحوم قزوینی به زمینه‌ها و عرصه‌های آن نرسیده بود.

چیزی که می‌خواهم بگویم این است که یک نوع همدلی کردن و همخوانی کردن با خواننده است یعنی در عین حالی که مصحح، کتاب را برای خواننده عرضه می‌دارد سوالات مقدر او را هم پاسخ بگوید. این سوالها ممکن است در دو بخش پیش بیاید یکی در باب مؤلف و موضوع کتاب و دیگری در باب مشکلات متن. این چیزهایی است که در اسرارالتوحید می‌توان دید. بی‌تردید این نقطه برتر، نقطه‌ای است که نشان می‌دهد این کار از کارهای مرحوم قزوینی خیلی پیشرفته‌تر است. مقدمه کتاب را وقتی نگاه کنیم می‌بینیم که تحقیق جامعی در باب شیخ ابوسعید و تحقیق دل‌انگیزی است در باب محمد منور. تعلیقات آن را وقتی نگاه کنید می‌بینید که یک مجموعه عناصر ادبی و فرهنگی است که یک محقق تیزباز و صبور و سخت‌کوش و یک شاعر و یک ادیب می‌تواند آنها را کشف کند. گمان می‌کنم یکی از کسانی که روح مرحوم قزوینی را در این باب بسیار شاد کرده است آقای دکتر شفیعی کدکنی است. البته فرصت نیست و گرنه به کارهایی که بعد از مرحوم قزوینی در پیرامون همان متون از جمله المعجم که کار مدرس رضوی است تا کار دیگران بپردازیم متوجه می‌شویم که در همه این کارها می‌توان نقاط درخشان و کارهای تازه‌ای جستجو کرد که



محمود عابدی

کار مرحوم قزوینی را به کمال برده است.

● بنده به یک موردی اشاره کنم و آن اینکه به نمونه‌هایی می‌توان اشاره کرد مانند «مقالات شمس» آقای موهده، آیا به کمال نرفتن تصحیح متون به دلیل این نیست که تصحیح متن به صورت تخصصی تعلیم داده نشد؟

دکتر عابدی: اگر تخصصی شود البته که خوب می‌شود. اما آیا امکان این است که کسی تصور کند که در قلمرو تصحیح کسی بتواند این را به بخش‌های مختلف تقسیم کند و به مصححان بگوید که فلانی شما متخصص این دوره هستی و تو این کار را بکن. گویا که تصور این تصور ساده‌ای نباشد اما می‌توان تصور کرد که اقلاً مرکزی بوجود بیاید متون کشف نشده و قابل عرضه شده که اتفاقاً شمار آنها زیاد هم هست، آنها را جمع و کشف و معرفی کند و همچنین مصححان متخصص را تعیین کند و آن متون را در اختیار آنها قرار دهند. اگر بتوان از تصحیح هم تخصصی تصور کرد مسیرش این باشد. تصحیح متون بر مبنای تخصص وقتی قابل تصور است که رشته متنوع و بسیار گسترده ادبیات تخصصی شود.

استاد روشن: تداوم ادبیات فارسی، اشرافی برای مصحح ایجاد می‌کند که آن اشراف می‌تواند موجب تخصصی شدن را فراهم کند که اگر آن مایه نباشد نمی‌شود.

دکتر ماهیار: حال مسئله‌ای دیگر می‌ماند و آن حوصله و فرصت است. امروزه اغلب معلمان ما و استادان ما روز شنبه شروع می‌کنند و می‌روند به آراک و بروجرد و از آنجا به علی‌گودرز و بوشهر و تا می‌آیند اینجا. اینها هیچگونه وقتی نخواهند داشت برای این کار. حالا آنها که مشتاق کار هستند - از آقای دکتر عابدی بپرسید که برای کشف المحجوب چقدر وقت صرف کردند و برای نفعات الانس چقدر وقت صرف کردند آیا همه می‌توانند این همه دندان روی جگر بگذارند و این همه را تحمل کنند؟ و بگویند که عیب ندارد من به خاطر علاقه‌ای که به تصحیح این کتاب دارم همه مشکلاتش را تحمل می‌کنم و تأمل و صبر می‌کنم.

پرتال جامع علوم انسانی

● آیا می‌توانیم از علامه قزوینی به عنوان بنیانگذار تصحیح متون به شیوه انتقادی یاد کنیم؟

دکتر فتوحی: همانطور که استادان من اشاره فرمودند، بنده نیز باز تعبیر آقای دکتر عابدی را تکرار می‌کنم اینکه علامه قزوینی اگر بنیانگذار این مکتب نباشد و اولین کس هم نباشد یکی از دقیق‌ترین افراد و برجسته‌ترین متقدمان این بحث است اینکه صاحب مکتبی یا بنیانگذار مکتبی شود معمولاً حتماً به تقدم او در طرح مسئله مربوط نمی‌شود بلکه به برجستگی و شاخص بودن آن مربوط می‌شود. مرحوم قزوینی در میان ادبا و استادان و محققان ما جزو برجستگان هستند.

من هیچوقت یاد نمی‌رود زمانی که در محضر استادان بودیم استادان ما همیشه دقت قزوینی را گوشزد می‌کردند. بنابراین وقتی که کسی نوع روش و نگاه و کار او شاخص می‌شود و بقیه پیوسته به آن اشاره می‌کنند در واقع آن صاحب یک سبک و یا یک مکتب هست و تقریباً می‌شود گفت مکتب و یا روش قزوینی. این مکتب همانطور که از بحث این جلسه بر می‌آید دو محور یا شاخصه عمده داشت: یکی دقت - که استادان من خیلی تأکید بر آن داشتند - و دیگر احاطه و اشراف علمی. شما در سیر بعد از قزوینی اگر نگاه کنید مصححان برجسته هر دو مورد را دارا هستند (دقت و اشراف علمی). و خود این مسئله اشراف علمی است که مصحح را به زمان نگارش اثر می‌برد. منتقدان جدید یک اصطلاحی دارند به نام روح زمان. آیا مصحح می‌خواهد با روح زمان معاصر که در آن زندگی می‌کند به تصحیح بپردازد یا با روح زمانی که مؤلف در آن وجود داشته است. بنابراین من اشاره کنم به فرمایشات استاد روشن، اگر امروز ما در میان مصححان جوان خود کسی را نمی‌یابیم که این دقت را داشته باشد و بتواند گامی در مسیر قزوینی‌ها بگذارد، دلیلش عدم اشراف علمی

است. نکته یافتن دلیل بر اشراف علمی و دانایی دارد. شما نگاه کنید کسانی را که به عنوان شاخص از آثارشان یاد کردیم یکی از شاخصه‌های زندگی آنها احاطه علمی است که دارند. در یک جلسه‌ای در خدمت دکتر شفیعی کدکنی بودیم و ایشان صحبت می‌کردند که حدود ۲۰ سال مشغول تصحیح اسرارالتوحید بودند و بعد خانم ایشان در یک جلسه دیگر که بودیم می‌گفتند من ۷ بار با دکتر شفیعی کدکنی این متن را خوانده‌ام ببینید! روح و یا عشق این متن در خانه استاد هم سایه می‌افکند و خواندن ۷ بار یک متن قدیمی توسط یک زن و شوهر. در واقع اینها عاشق رفتن به آن زمان هستند و در اکنون نیستند. و این رفتن به آن زمان یکی از لازمه‌های بزرگ مسئله تصحیح است که در واقع مصحح می‌خواهد به قصد مؤلف برسد و رسیدن به قصد مؤلف جز همسو شدن با تجربه‌های مؤلف امکان‌پذیر نیست. بنابراین یکی از شاخصه‌های مکتب قزوینی دقت و اشراف علمی است و هرکس این دقت و اشراف علمی را داشته پایبند مکتب قزوینی بوده است و هرکس پایبند مکتب قزوینی نبوده است یعنی دقت و اشراف علمی نداشته است و مسلماً آثار آنها نیاز به تصحیح مجدد است.

● با توجه به ویژگی‌هایی که برای تصحیح خوب بر می‌شماریم اگر بخواهیم یک تصحیح از میان تصحیح‌هایی که علامه قزوینی انجام داده‌اند برگزینیم شما کدامیک از آنها را انتخاب می‌کنید و چرا؟

استاد روشن: من در نثر تاریخ جهانگشای جوینی را از دقیق‌ترین و صحیح‌ترین می‌دانم. بنده که بعد به کار مرزبان نامه پرداختم البته با توصیه مرحوم دکتر معین - که خدا بیامرزد - و استاد مرحوم مینوی - که خداوندش بیامرزد - صفحه به صفحه با ما می‌خواندند و می‌گفتند که مرزبان نامه از کارهای جوانی استاد قزوینی است و اولین کار ادبی آن است ولی اعتبار تاریخ جهانگشای جوینی از لحاظ دقت و صحت برتر است. دیوان حافظ هم در میان آثار علامه بی‌نظیر است.

دکتر ماهیار: البته که نظر آقای دکتر روشن را تمجید می‌کنم اما به نظرم گمان می‌کنم که با فرمول‌های

خاصی نمی‌توان این مورد را پیدا کرد.

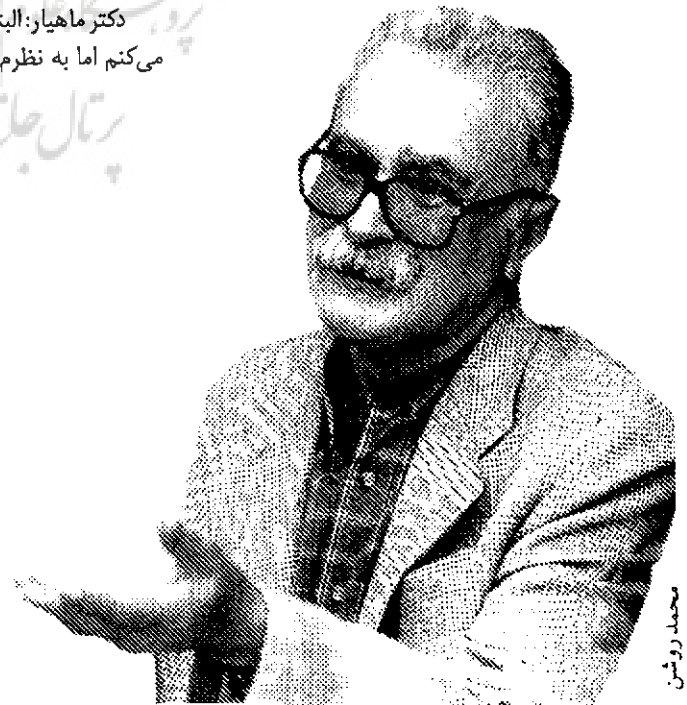
● اگر مجبور شوید که پاسخ بدهید آنوقت کدام اثر علامه را برمی‌گزینید؟

دکتر ماهیار: اگر مجبور به پاسخ باشیم می‌گوییم همه آثار علامه قزوینی شایسته انتخاب هستند.

● طبعاً آثاری که علامه قزوینی تصحیح کردند دارای اعتبار یکسانی نیستند. به نظر شما از لحاظ شیوه تصحیح کدام اثر برتر است؟

دکتر ماهیار: اگر یک کار ایشان را انتخاب کنم همان تاریخ جهانگشا را انتخاب می‌کنم چون خیلی دقت کرده‌اند مخصوصاً تعلیقاتی که نوشته‌اند و چیزهایی که پیدا کرده‌اند. به ویژه احاطه مرحوم قزوینی به شعر عربی و پیدا کردن اشعار نادر در آنجا و ثبت آن اشعار در اثر نشانگر این است که برای این کار زحمت زیادی کشیده‌اند و آنهمه برخاسته از اشراف علمی عربی اوست یعنی در عربیت هم اشراف داشتند. شاید اصل کار ایشان عربیت بود چون اشعار نادری که از عربی، علامه پیدا کرده است بسیار کسان دیگر پیدا نکرده‌اند. درباره نظم هم چون تا به حال کتابی بالای تصحیح قزوینی بر حافظ چاپ نشده است - البته تصحیح حافظ چاپ شده است ولی اگر بخواهند دنبال یک کتاب تصحیح شده حافظ برونند دنبال حافظ به تصحیح قزوینی می‌روند. این مراجعات در نظم نشان می‌دهد که این کتاب لابد یک چیزی دارد که دنبال آن می‌روند. اگر نمی‌داشت نمی‌رفتند. اگر نسخه‌های دیگری پیدا می‌کردند که بهتر از قزوینی باشد دنبال آنها می‌رفتند. همه امیدها بر این بود که بعد از حافظ مرحوم خانلری دیگر همه کتابها بسته شود چون این کتاب از همه کتاب‌های دیگر غنی‌تر و قوی‌تر و بهتر است اما همه آنهایی که صاحب ذوق هستند معتقد هستند که یک سری گرفتاریهایی در تصحیح خانلری هست که در کتاب مرحوم قزوینی کمتر است.

دکتر عابدی: البته تشکیک و تردید در آرای استادان حاضر مودبانه نیست اما حقیقت این است که بزرگترین کار علامه قزوینی همان تصحیح محمد قزوینی است. یعنی همین که قزوینی این کار را کشف و



محمد روشن

به آن پرداخته و این متون را عرضه و آغاز کرده است.
● یعنی به نظر شما تصحیح جهانگشای جزوینی با تصحیح مرزبان نامه یا تصحیح دیوان حافظ به یک اندازه اهمیت دارند؟

دکتر عابدی: تصحیح حافظ انصافاً گویی اینکه هیچ نافی و مانع کار دیگران نیست. کارهای دیگران در جای خود، کار علامه در تصحیح حافظ به جای خود، به خصوص آنهایی که صمیمانه و به تناسب قدرت هنری خودشان وارد عرصه حافظ شده‌اند و از آنها هستند از جمله آقای سایه و مرحوم خانلری که آنها در جای خود صاحب ارزش هستند. اما همین که کار مرحوم جزوینی همپای آنها هنوز هم پیش می‌رود و ادیبان ما از آن بی‌نیاز نیستند، نشان می‌دهد که کار بزرگی است.

دکتر فتوحی: بنده بانظر استادانم موافق هستم اما این نکته را بگویم که خود متن نیز خیلی مهم است یعنی کتاب عتبه‌الکتبه را معمولاً کسی نمی‌خواند در صورتی که حافظ یکی از پرفروش‌ترین کتابهاست. همچنین جهانگشا را هم مورخین می‌خوانند و هم یکی از واحدهای درسی رشته ادبیات است. توجه و اقبال مردم به این مورد، این را طبعاً در میان خوانندگان جدا می‌کند وگرنه به نظر من روش جزوینی در تمام آثارش مشهود است.

● علامه جزوینی متونی را براساس نیازهایی که احساس می‌کرد، انتخاب و تصحیح کرد. حالا شما فکر می‌کنید اگر علامه جزوینی زنده بود چه متنی را برمی‌گزید و یا اینکه شما دوست داشتید که چه متنی را انتخاب می‌کرد و آن را تصحیح می‌کرد؟

استاد روشن: از اینکه واقعاً زندگی جزوینی به اعتبار راه یافتن به گنجینه و یادداشتها و دبستگی ایشان به کارهای گذشته و حال، خود یک چهره متمایز و منحصر به فردی بود؛ تردیدی نیست. یکی از آرزوهای مرحوم جزوینی تصحیح تاریخ جامع التواریخ بود.

بنده تقاضا دارم که اسم غنی را همپای جزوینی نیاورید. بنده حاضرم زیر شلاق انتقادی عزیزان قرار بگیرم ولی تعارف و مجامله نکنم من هرگز نام غنی را

هم‌طراز علامه جزوینی نمی‌آورم. غنی مرد مخلص‌ی بود که به جهات علمی دل‌بسته مرحوم جزوینی بود. در خاطراتش می‌نویسد: راننده من تعجب می‌کند که من کارم را رها می‌کنم و ماشینم را دنبال مرحوم جزوینی می‌فرستم. من در گفتاری این مورد را نوشتم و نیز اخیراً دانشگاه مشهد یا آستان قدس، کتابی را که در عرفان اسلامی از نیکلسون چاپ کرده به ترجمه دکتر اسدالله آزاد، نشانه‌ها و نمونه‌هایی دیدیم که ایشان انتقال کردند و از شگفتی‌هاست، یا از حجب و حیا و ملاحظه خدمات غنی بود که مرحوم جزوینی اشاره‌ای به آن نکرد. این است که بنده استدعا دارم استادان عزیز این مرادفه و ترادف را نپذیرند که بگویند حافظ جزوینی و غنی. غنی کارهای نبود فقط اسباب گردان معرکه بود. وسایل را فراهم می‌کرد. کاری که مرحوم جزوینی نمی‌توانست انجام دهد و نباید می‌کرد.

دکتر ماهیار: مرحوم جزوینی در نامه فرهنگستان کتابهایی را معرفی کرده است که این کتابها برای تصحیح خوب است.

استاد روشن: من شرف النبى را از همان توصیه مرحوم جزوینی شروع به تصحیح کردم.

دکتر ماهیار: بنده فکر می‌کنم که اگر زنده بود از همان کتابها انتخاب و تصحیح می‌کرد.

● شما خودتان دوست داشتید کدامیک از آنها را انتخاب می‌کردید و یا اینکه چه متنی برای الان لازم‌تر است یعنی چه متنی را ما الان باید در اولویت قرار بدهیم؟

دکتر ماهیار: ما به همه متون بدون استثنا نیاز مندیم.

● آقای دکتر یک کتاب انتخاب کنید.

دکتر ماهیار: ببینید کتابهای ادبی ما نمی‌تواند برای ما نیازهای تکنولوژی برطرف کند. اینها همه‌شان نیازهای ادبی ما هستند و این کتابهای کشف‌المحجوب و روضة‌العقول و یا مرزبان نامه و یا غیره نمی‌توانند پیچی از ماشین تمدن ما را باز کنند اما نیازهای ادبی ما هستند. میراث فرهنگ و تمدن ما هستند.

● جناب دکتر عابدی فرض می‌گیریم که علامه جزوینی زنده بودند و از شما درخواست انتخاب متون برای تصحیح

می‌کردند شما چه متنی را انتخاب می‌کردید؟

دکتر عابدی: شما سوالتان کشف رابطه ذهن جزوینی ۶۰ و ۷۰ سال پیش با متون امروزی است که معلوم نیست جزوینی اگر زنده بود باز جزوینی همان جزوینی باشد. اما درحقیقت باید گفت درست است که جزوینی آغازکننده این کار بود و درست است که کارهای بزرگ و با ارزش و مهمی انجام داده‌اند که هرکدام از این کارها در جای خود بسیار عزیز است اما هنوز ما در آغاز کار هستیم فی‌المثل در آثار دینی و منابع دینی کتابی که شما و یا بنده به ذهنم برسد که آنچنان که باید عرضه نشده است تفاسیر قرآنی است که عرضه نشده‌اند. به غیر از تفسیر ابوالفتح و کشف الاسرار که هم در عرصه تصوف و هم در عرصه زبان هم در عرصه قرآن، به آن حالتی که آدم می‌تواند یک عبارت را در تمام عمر زمره کند و در این کتابها هست هنوز کار بایسته‌ای روی اینها نشده است، ما شاهنامه، مثنوی و غزلیات شمس و غیره داریم که جزو متون نخستین ما هستند کسی مدعی نشده است که بهترین و آخرین کار روی آنها انجام گرفته است گرچه کارهای بزرگی بر این متون انجام گرفته است. اگر جزوینی زنده بود به یکی از این کارها می‌پرداخت.

دکتر فتوحی: من با توجه به اینکه جبراً یا به قول شما قهراً به سؤال شما باید پاسخ بگویم، دوست داشتم اگر علامه جزوینی زنده بود شاهنامه را تصحیح می‌کرد. گرچه با پیش زمینه‌های علمی ایشان فکر می‌کنم علامه جزوینی دوست داشتند دنبال متونی بروند که در آن متون عربیت و تاریخ و دانش‌های قدیم مندرج بود ولی مثلاً آرزو داشتم تصحیحی بر روش جزوینی روی شاهنامه صورت گیرد به دلیل تعلق خاطری که به شاهنامه دارم.

● از همه شما سپاسگزاریم.

